

باب ثانی: لوح مبارک در جواب سائل که کیفیت ادای حق الناس در عالم بعد چگونه است؟

قوله تعالى :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وفي بما اوحى على كافة انبيائه و رسله و بشر الكل بايامه ومنها يوم الذي وعدنا به في محكم كتابه بقوله جل سلطانه يوم يغنى الله كلا من سعته و انه هو يومنا هذا اذ ارى بانه اغنى فيه كل من دخل في ظله من سعة علمه و حكمه بحيث قد اودع فيه زمام العلوم في قبضة اقل عبيده و في صفقة اذل رعيته اذ تمسك بحبل حبه في ايام ظهوره و الحمد لله الذي يلهم من يشاء بجنود وحيه و يقذف في قلب من يريد نور علمه لا اله الا هو الظاهر بظهور نفسه بحيث ما بقي له حجاب الا نور جماله و لا سحاب الا فرط ظهوره ثم الصلوة و السلام على اشرف صفوته و سيد بريته و على اله و عترته ثم على اوليائه الذين قاموا بامرهم و استقاموا في حبه و بعد معروض ميرود كه مكتوب ان محبوب مشهود رفت و مايه بهجت و سرور شد انشاء الله هميشه اين توفيق رفيق باشد و اين تأييد مستدام ماند كه گاهگاهی از حال آوارگان بيدای ناکامی و گمنامی آگاهی خواهند و تفقد نمایند فجزاك الله احسن الجزاء و وفقك لما يحب و يرضى و اينكه سؤال نموده بوديد كه چگونه احقاق حق در عالم بعد موت و ادای حقوق الناس در قيامت كبرى كه بيوم الجزاء تعبير شده بتصوير آيد و امكان بپذيرد و حال آنكه اين زخارف و اموال و حقوق كه در حيات باطله مطلوب و مشهود در عوالم بعد موت وجودى ندارد و بر فرض وجود بصاحبان حقوق نفعى نميدهد و ثمرى نمىبخشد پس چگونه در آن عوالم احقاق حقوق گفته ميشود چنانچه در السنه معروف كه خداوند رحمن گاه ميشود كه از حق خود ميگذرد و عفو نمايد ولكن از حقوق الناس ميگذرد تا آنكه ادای حق آنها شود

یا حبیب قلبی از امری سؤال نمودی که بغایت صعب و مستصعب است چه که فهم این مقام موقوف بفهم و ادراک ایام بعد موت و عرفان یوم القیام است و ادراک ایندو مقام قلب فارغ میخواهد و گوش طاهر لازم هر گوشه لایق اصغاء این سروش نه گوشه که نعره صور و نعره ناقور را از سماء ظهور اصغا ننماید دیگر چگونه زمزمه طیور را شنود ولی چون در اجابت فرمان آن حبیب مکرم ناچارم لهذا باختصار مجملی اظهار میدارم و بذکر بعضی اشباح و امثال اقتصار مینمایم و لا حول و لا قوة الا بالله الواحد القهار پس عرض مینمایم که آنچه در این عالم ناسوت و عالم حدود بهر اسم و رسم و بهر صورت و وصف دیده و شنیده در هر عالمی از عوالم الهی ظهوری و شهودی مناسب و ملایم با آن عالم دارد و باسم دیگر و رسم دیگر و صورت و وصفی دیگر جلوه مینماید و رخساره میگذشاید این فنائی که از عالم شنیده راجع بصورت و قمیص است نه بحقیقت و ذات و البته حقایق اشیاء بجلوه‌های مختلفه و ظهورات متغایره حقایقا بعد حقایق در هر عالمی جلوه نمایند و رخساره گشایند حکمای بالغین که از رحیق معانی آشامیده‌اند بتجسم اعمال قائل شده‌اند و لله در من قال حضرت ذو الجلال میفرماید : سیجریهم وصفهم مطلع وحی رحمن فرموده الناس مجزیون باعمالهم ان خیرا فخیر و ان شرا فشر پس معلوم میشود که عمل باقی خواهد بود و هر وصف هستی خواهد داشت تا آنکه بنفس وصف و عمل جزا داده شوند پس هر وصفی و هر عملی از هر عاملی ظاهر شود در هر عالمی صورتی دارد و جلوه مینماید لیجزی کل نفس بما کسبت و انه سریع الحساب و هر گاه بخواهیم از برای تفهیم این مطلب و تشریح کیفیت ظهورات اشیاء را در عوالم لا تحصی ذکری نمایم و مثلی آرم که اقرب بفهم و ادراک باشد بهتر از عالم نوم مثلی بنظر ندارم تا ذکر نمایم النوم اخ الموت گفته شد تا برادر را بمشابهت برادر بشناسی پس ملاحظه نمائید که در عالم رؤیا اموری مشاهده میکنید و بعد از بیداری در این عالم او را باسمى دیگر و صورت و وصفی دیگر تعبیر میکنید و تفسیر مینمائید و بعد هم بمرور ایام همان قسم که تعبیر و تفسیر شده مشهود میرود پس ای برادر هر گاه خود از اهل رؤیا بوده و در عالم رؤیا چنین امری دیده‌ای که در آنجا اسم دیگر و وصف دیگر داشت و در اینجا هم اسم دیگر و وصف دیگر دارد پس در عالم بعد از موت هم همین اختلاف صور را تصدیق نما و یقین بدان که حقیقت و

ذات و احدیت و صورت و وصف مختلف و هر گاه خود اینمقام را بعین شهود ندیده رجوع به تعبیرات عارفین از معبرین نما که از هر فعل و هر قول تعبیری کرده‌اند و از هر شیء تفسیری نموده‌اند اصدق القائلین بذکر رؤیای حضرت یوسف علی ولی عصرنا و علیه السلام و بذکر تعبیرات و تفسیرات آن حضرت از رؤیای نفسین مذکورین در کتاب ناطق است حال تفکر نمائید که آن چه عالمی است که در آن عالم پدر و مادر بصورت شمس و قمر دیده میشود و برادر بصورت کوکب بنظر میآید و این چه عالمی است که بعکس دیده میشود چنانچه شمس و قمر بصورت پدر و مادر مشهود رفت و کوکب بصورت برادر ملحوظ شد قوله جل سلطانہ انی رأیت احد عشر کوکبا و الشمس و القمر رأیت ہم لی ساجدین و تعبیر این رؤیا وقتی ظاهر شد که آنحضرت بر سریر عزت جالس گردید و حضرت یعقوب علیه السلام با یازده برادر بر قدم او افتادند پس بعد که این مسئله ثابت و محقق شد احقاق هر حقی در هر عالمی بصورتی که در آن عالم داده خواهد شد و البته اگر غیر این باشد احقاق حق نشده مثلی برای تو میزنم شاید بتعدد امثال آنچه عرض شده بفهم نزدیک گردد و مطلب تصدیق شود ملاحظه کن هر گاه نفسی در فصل ربیع حبه و هسته از نفسی غصب نماید و در بستان خود بذر افشانی کند تا آنکه سبز و خرم شود و بالاخره در فصل صیف بمقام ثمر و یا شجر برسد و بعد سلطان عادل اراده فرماید که در این فصل که صیف گفته شد اخذ حق مظلوم نماید چه نحو معمول میدارد آیا در عوض حبه و یا هسته اخذ میفرماید و یا آنکه نفس شجر را با ثمری که با اوست اخذ میکند و تسلیم میدهد البته خواهی گفت شجر را و حال آنکه اینصورت غیر آنصورت است و این اسم و وصف غیر آن اسم و وصفی است که در فصل ربیع داشت بلکه آن حبه و هسته در فصل صیف بزعم تو وجود ندارد و بر فرض وجود اگر بعین ادا شود برای صاحب ثمری نمیدهد و نتیجه ندارد چه که فصل ربیع که هنگام بذر افشانی بود منقضی شد و حبه و هسته آلت معطله خواهد بود و این بنظر ظاهر قاصر است که گفته شد که وجود ندارد و ثمر نمیدهد و لکن در حقیقت و واقع این حبه و هسته موجود و بصورت شجر و ثمر که اعلی و اغلی است مشهود و بسا میشود که احقاق حق در همین عالم شده باشد و تو آگاه نباشی چنانچه گاه میشود که زخارف و اموال قمیص قضایا و بلایا میشود و بلا و قضا بصورت مال جلوه مینماید چنانچه تلف

اموال گاه میشود که سبب و علت رفع بلا میگردد و در این مقام فرق نمیکند که این تلف اموال باسباب سماوی باشد و یا آنکه نفسی ظلم کند و بعدا آن اخذ نماید پس چنین مالی هر که غصب کند و اخذ نماید قضا و بلا را از تو رفع نموده و بر خود وارد آورده آیا احقاق حقی بهتر از این متصور است لا و رب العالمین و اگر بخواهم از ظهورات اعمال و افعال و اقوال که بصورت‌های مختلفه غیر محصوره در عوالم الهی جلوه مینماید شرح دهم و پرده بردارم بیم آنست که از طرفی نفوس قدسیه ابدان را بگذارند و بمقاعد عز رحمن عروج نمایند و نفوس شریره ظالمه خوفا عما عملوا فی حیاة الباطلة قالب تهی کنند فیا شوقا الی اخلاق روحانیة و اعمال طیبیة و اقوال صادقة نافعة و ما یظهر منها من سماء مرفوعة و ارض مبسوطة و شمس مشرقة و اقمار لائحة و کواکب دریة و عیون صافیة و انهار جاریة و هواء لطیفه و قصور عالیة و اشجار رفیعة و اثمار جنیة و قطوف دانیة و طیور متغردة و اوراق محمرة و اوراد معطرة ثم اقول الامان الامان یا ربی الرحمن من اخلاق سیئة و اعمال شریره و افعال غیر مرضیة و اقوال کذبه مضرة و ما یظهر منها که در امکان بصورت نیران و جحیم و زقوم و ضریع و بصورت تمامی خبائث و مکاره و اسقام و احزان و سموم و سیوف و سهام و سنان ظاهر میشود الله اکبر بیش از این کشف اسرار جائز نه و اقول العظمة ثم العظمة ثم الکبریاء لله الواحد القهار

مثلی دیگر از عالم تشریح الهی که مقابل عالم تکوین است برای تو میآورم و بشرایع الهی مثل را تمام مینمایم شاید بقدری که بر عوالم الهی آگاهی داری تشابه عالم را بدانی و بیابی تا توانی در عوالم لا یتناهی جاری نمائی مثل بشرع اسلام و شرع قبل او میزنم که خود آگاهی داری و نمیتوانی قبول نمائی هر گاه یکی از نصاری بحسب قانون و زاگون کوبی از شراب و یا مقداری از لحم خنزیر از مثل خود مطالب باشد و بعد هر دو بشرف اسلام فائز شوند و نواب شرع اقدس بخواهند احقاق حق مظلوم نمایند چه نحو معمول میدارند و اخذ حق میکنند و حال آنکه در شرع اسلام شراب و لحم خنزیر بکار نمیخورد و قیمتی هم ندارد و برای صاحب حق ثمری نمیدهد چاره نداری الا آنکه بگوئی باید از آنچه در شرع اسلام حلال است عوض بدهد و یا آنکه گوئی قیمت او را مطابق آنچه در نزد مستحلین او مقرر و معین است بدهد

چنانچه مثل این حکم در بعضی موارد در کتب فقهاء مذکور و مسطور است و اگر
بخواهم صد هزار مثل دیگر عارفانه و عامیانه برای تو بیآورم بحول الله و قوته
عجزی ندارم و لکن از آن میترسم که بطول انجامد و تو را کسالت اخذ نماید و از
آنچه معروض رفت مانی فاختم القول و اقول الحمد لله الذی هدینا الی عرفان اسمه
الاعظم و عرفنا ما لا عرفه الامم " انتهى